

نقدی بر ترجمه‌های ساختار شرط در آیه ۳ سوره نساء

بر مبنای رویکرد ساختاری

مرضیه رئیسی^۱، شادی نفیسی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، ایران.

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۹

چکیده

ارتباط میان شرط ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى﴾ و جواب ﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْلَى وَ ثَلَاثَ وَ زُبَاعٍ﴾ در سومین آیه از سوره نساء از چالش‌های تفسیری بوده که اثر خود را به صورت اختلافات فراوان ترجمه‌ای برجای گذاشته است. ترجمه‌های ارائه شده پیرامون این ساختار شرط را می‌توان در ۷ گونه و با محوریت معادل‌یابی از «مِنَ النِّسَاءِ» به صورت‌های زنان، زنان دلخواه، زنان یتیم و غیریتیم، مادر آن ایتم، زنان بالغه، زنان متناسب با عدالت و نهایتاً زنان دیگری غیر از ایتم دسته‌بندی کرد. در این میان به معیاری جهت ترجیح و نقد ترجمه‌ها نیاز بوده که قدرت فهم و تحلیل آرای تفسیری را به دلیل وابستگی ترجمه به تفسیر دارا باشد. جهت انجام این بررسی روش مورد استفاده شیوه توصیفی- تحلیلی و به‌طور مشخص روش تحلیل ساختاری سوره‌ها بوده که در آن سوره به مثابه شبکه‌ای در هم‌تنیده از موضوعات مختلف با محوریت سیاق‌هاست. با این معیار گونه هفتم به عنوان ترجمه منتخب برگزیده شده و به صورت ذیل قابل ارائه است: «اگر می‌ترسید که در مورد یتیمان به قسط رفتار نکنید با زنان (دیگری غیر از ایتم) به تعداد دو تا، سه تا و چهار تا ازدواج کنید». از این‌رو می‌توان مهم‌ترین دستاورد این پژوهش را ارائه معیاری درون‌متنی جهت تنقیح ترجمه‌های پیشنهادی برای متن قرآن به شمار آورد. در نتیجه استفاده از ساختار آیه، ساختار سیاق، ساختار فصل، ساختار سوره و غرض آن مبنای ارزیابی ترجمه‌ها و ارائه ترجمه صحیح است. پیاده‌سازی این روش نقد ترجمه بر سوره طویل نساء در پژوهش پیش‌رو، نمونه‌ای جهت اثبات اثر ساختار در نقد و ترجیح ترجمه‌ها در سراسر قرآن خواهد بود.

واژگان کلیدی: ساختار سوره، تعدد زوجات، آیه ۳ سوره نساء، نقد ترجمه، ساختار شرط.

shadinafisi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱- مقدمه

ضرورت ترجمه برای دینی که ادعای جهان‌شمولی و خاتمیت دارد، روشن بوده است؛ اما در این میان چالش اختلاف ترجمه‌ها نیازمند واکاوی روشی و موردی است. با رجوع به ترجمه‌های آیات قرآن این نکته بر خواننده روشن می‌شود که گاه برای یک آیه چندین ترجمه مختلف و بعضاً معارض ارائه شده است. این در حالی است که آشنایی ابتدایی هر غیرعرب زبانی با قرآن به واسطه ترجمه انجام می‌شود و گاه همین ترجمه‌های ناروا سبب شکل‌گیری تصویری غلط از چهره کتاب مقدس در اذهان پژوهشگران دینی و مردم عادی می‌شود. این امر، ضرورت مواجهه‌ای علمی، روشمند و دقیق با چالش اختلاف ترجمه را آشکار می‌کند. ضمن آنکه باید توجه داشت ریشه‌شناسی اختلافات ترجمه به حوزه اختلافات تفسیری باز می‌گردد؛ زیرا مترجم در حقیقت بر اساس یک رأی تفسیری به ارائه معنای آیه اقدام می‌کند. بالأخص در آیات اختلافی نظیر آیه مورد بحث که تشتت فراوانی در آراء تفسیری از قرون پیشین (سید رضی، ۱۴۰۶، صص ۲۹۱-۳۰۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۹۰-۱۹۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۴۸۵) تا کنون (انصاری، ۱۳۹۸، ج ۹: ۳۳۰) وجود داشته است؛ در چنین حالتی مترجم یا باید به ارائه ترجمه تحت‌اللفظی اقدام نماید که ابهام را در پی خواهد داشت و یا اینکه نهایتاً یک‌گونه از آراء تفسیری را میزان ترجمه خویش قرار دهد. از این رو در حقیقت باید به دنبال روشی صحیح در فهم قرآن و منطبق با الگوهای زبان قرآن بود و از قبل ارائه این روش تفسیری معیار، هم به داوری در حوزه تفسیر نشست و هم به اختلافات ترجمه پایان بخشید. روش تفسیر ساختاری یا به عبارتی توجه به ساختار مندی و غرض محوری سوره راهکاری است که برای این معضل در نوشتار پیش‌رو لحاظ شده است؛ زیرا از مهمترین عوامل اشکالات ترجمه‌ای، داشتن رویکرد تقطیعی نسبت به عبارات یک آیه و ندیدن سازه سوره است.

۲- بیان مسئله

برخی ترجمه‌ها سبب افزایش ابهام در مخاطب شده و به جای انتقال مفاهیم قرآنی، ویژگی‌هایی نظیر نارسا بودن، ناکارآمدی، تعارض و انفکاک معنایی را به ذهن خواننده متبادر می‌کنند. از جمله در آیه ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ (نساء/۳) به گونه‌ای به طرح مسئله قسط، ایتم، نکاح، عدالت و زنان اقدام نموده که سؤال از ارتباط میان شرط ابتدایی و جواب آن و یا به عبارتی چرایی امر به نکاح و تعدد زوجات در صورت بروز خوف از عدم قسط در میان ایتم برای خواننده متن مقدس ایجاد می‌شود.

در یک ترجمه روان و بدون افزایش این آیه به صورت ذیل ترجمه می‌شود: «اگر خوف عدم برپایی قسط را در میان یتیمان دارید، پس با زنانی دارای هر ویژگی که می‌پسندید به صورت دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه ازدواج کنید. پس اگر می‌ترسید که عدالت را برقرار نکنید، به یک زن و یا کنیزانتان بسنده کنید. این کار به اینکه مرتکب ظلم نشوید، نزدیک‌تر است.» (ترجمه از نگارنده). همچنان‌که دیده می‌شود ارتباط معنایی در ساختار شرط، مسئله‌ای نیازمند واکاوی است. از این رو پرسش‌های پژوهش را می‌توان به صورت ذیل ارائه نمود:

پرسش اصلی

چگونه از ساختار سوره نساء برای نقد ترجمه‌های ساختار شرط در آیه ۳ می‌توان بهره برد؟

پرسش‌های فرعی

غرض بنا شده بر ساختار سوره نساء چیست؟

در ارزیابی ترجمه‌ها بر مبنای ساختار، چه مراحلی را باید طی نمود؟

ترجمه منتخب در ساختار شرط سوره نساء کدام است؟

۳- پیشینه پژوهش

در ارتباط با پیشینه می‌توان به سه دسته پژوهش ذیل ارجاع داد؛

الف. پایان‌نامه «بررسی ارتباط آیات سوره مبارکه «نساء»» از مریم دهقان که در آن به کشف شبکه خطی و موضوعات سوره نساء پرداخته است؛ البته نگارنده در پژوهش پیش رو که بر مبنای رساله دکتری تدوین شده، به شبکه‌ای متفاوت از ایشان دست یافته که با توجه به محدودیت حجم مقاله، برحسب نیاز به ارائه بخش‌هایی از آن خواهد پرداخت.

ب. مقاله «بازخوانی نقد ترجمه‌های قرآن بر اساس نگرش ساختاری به سوره؛ بررسی موردی آیات منتخب سوره آل‌عمران» از انسیه برومندپور که از حیث مبنای، یعنی قابلیت نقد ترجمه به وسیله ساختار سوره، برای این مقاله پیشینه خاص محسوب می‌شود؛ اگر چه از جهت روش پیاده‌سازی و مصداق مورد مطالعه با این مقاله متفاوت است.

ج. مقالات متعددی نظیر «بررسی و نقد نظریه‌های مفسران در بیان وجه ارتباط شرط و جزای آیه سوم» از محمد سلطانی رنانی، «بررسی تفسیری آیه (و ان خفتم الا تقسطوا)» از محمدحسن رستمی، «بررسی اقوال مختلف مفسران و اندیشمندان اسلامی حول آیه ۳ نساء» از علی مطوری و «بررسی تفسیری آیه (فانکحوا ما طاب لکم من النساء)» از محمدجواد اسکندرلو به چالش‌های این آیه پرداخته‌اند؛ اما روش بحث در آن پژوهش‌ها بنا شده بر آراء مفسران بوده، حال آنکه در این پژوهش از طرفی محل نزاع بر اختلافات ترجمه‌ای است که از قضا لزوماً با آراء تفسیری انطباق نداشته‌اند و از طرفی هدف، سنجش اثر ساختار در نقد ترجمه‌ها آن هم بر سوره طولانی نساء بوده است تا از این رهگذر تعمیم‌پذیری نظریه مذکور مورد سنجش واقع شده و نهایتاً ترجمه‌ای صحیح از میان تشتت‌های ترجمه‌ای بر مبنای ساختار سوره ضمن نقد ترجمه‌های دیگر ارائه شود.

۴- ساختار و شبکه موضوعات در سوره نساء

سوره نساء با ۱۷۶ آیه بزرگ‌ترین سوره قرآن پس از بقره و یکی از سور سبع طوال است. در این سوره پاره‌ای از احکام فقهی شریعت و قوانین اجتماعی اسلام مطرح شده است. برخی موضوعات بیان شده چنین‌اند: خانواده و برخی احکام حقوقی آن، آفرینش انسان، برخی مباحث اقتصادی اسلام، ایمان به وحی و نبوت، برخی مسائل اهل کتاب، نفاق و گونه‌های آن در جامعه، پاره‌ای از احکام جهاد، احکام مرتبط با ارث و ازدواج و نیز نیم‌نگاهی به فرهنگ اعراب در دوران جاهلیت به‌ویژه باورها و رفتارهای آنان درباره ازدواج، ارث و زنان (انصاری، ۱۳۹۸، ج ۹، ص ۲۹۶). گستردگی سوره و اشمال آن بر موضوعات متعدد، یافتن ساختار و نظام یکپارچه را در این سوره با چالش مواجه کرده است. به نحوی که حتی علامه طباطبایی نیز گاه رأی به بی‌ارتباطی آیاتی با آیات مجاور داده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۵۹ ذیل سیاق آیه ۴۳ و نیز همو، ج ۴: ۳۸۷ ذیل سیاق آیات ۵۹-۷۰).

در رویکرد ساختاری، تمام آیات سوره، به هم پیوسته و دارای ارتباط با هم به سمت تأمین غرض خواهند بود. توالی منظم آیات، مبنا در یافتن ارتباطات لفظی و معنایی بوده که منجر به سیاق‌بندی خواهد شد. عنوان‌گذاری برای سیاق‌ها و برآیندگیری میان عناوین راه تشخیص غرض است (خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص ۲۹۹). تبیین این پروسه در سوره بزرگ نساء امری نیست که قابلیت گنجایش در این مقاله را داشته باشد؛ از این رو در بخش پیش‌رو به ارائه کلیتی از ساختار سوره، غرض و شبکه موضوعات آن اقدام می‌شود.

توجه به قرائن لفظ و معنا حاکی از وجود ۲۵ سیاق در این سوره بوده که از آن میان آیه اول ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَ

اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا^۱ به عنوان سیاق نخست و طلیعه سوره، حاوی پیام‌های مهم آن نیز است. در این سیاق عموم مردم جامعه با لفظ ناس به تقوای رب و تقوای ارحام سفارش شده‌اند. در واژه تقوا مفهوم حفظ و صیانت نهفته است (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۸۸۱؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۶: ۵۹۹؛ ازدی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۳۳۵). بنابراین می‌توان گفت جامعه مورد نظر درگیر آسیب‌هایی خواهد شد که از راه‌هایی چون توجه به ربوبیت و دستورهای ربوبی او، توجه به اصل وحدت انسانی و نفی تبعیض میان زن و مرد و میان انسان‌های مختلف و از راه مبنا قرارگرفتن الله در سیستم مسألت جویی انسان‌ها از یکدیگر قابل محافظت است.

مفهوم‌شناسی واژه رب نشان می‌دهد مفهوم سوق‌دهندگی به سمت کمال در آن نهفته است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۴: ۲۳). بنابراین در خطاب همه انسان‌ها به تقوای رب این معنا وجود دارد که باید‌ها و نبایدهای الهی و احکام اوست که فرد و جامعه را به سمت هدف تعیین‌شده برای آن سوق می‌دهد.

علامه طباطبایی بیانی کلی از غرض سوره را ذیل آیه ۱ به نحوی توصیف می‌کند که در آن حرکت به سمت جامعه‌ای اسلامی با محوریت اخوت و نفی تبعیض و طبقه‌گرایی نقشی اساسی دارد. وی امر به تقوا در این آیه را خطاب به مردمی می‌داند که در اصل انسانیت و حقیقت بشریت با هم متحد بوده و نباید میان زن و مرد، صغیر و کبیر و نیز عاجز و نیرومندشان تبعیض و در نتیجه ظلمی وجود داشته باشد؛ بلکه همگی در جامعه بر مبنای قوانین و احکام الهی به سوی سعادت فردی و اجتماعی که برایشان در نظر گرفته شده، حرکت کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۳۴-۱۳۵). بنابراین می‌توان ادعا نمود سوره درصدد برهم زدن عادات پیشین و ارائه راهکارهایی در قالب باید‌ها و نبایدهای دینی جهت گذار از آن جامعه به جامعه‌ای مؤمنانه است که در عین مصونیت از آسیب‌های درونی و بیرونی، افراد و خانواده‌ها

به عنوان پایه‌های اجتماع به سمت هدف کمالی خویش در حرکت‌اند. چنین جامعه ایده‌آلی که مرزهای آن به تمامی مسلمانان می‌رسد را می‌توان امت اسلامی نام نهاد که تنها از طریق امام (رسول در این سوره) و پایبندی به اوامر او، یعنی تقوا، می‌توان بدان دست یافت. «اهمیت پیروی از همه احکام الهی در زندگی» موضوعی است که خامه‌گر، پژوهشگر قرآنی معاصر نیز آن را به عنوان غرض سوره نساء معرفی کرده است. او در ۱۴ سیاق نخست و به عبارتی در بخش اول سوره به برشماری ۱۴ قانون از قوانین الهی در حوزه‌های مختلف زندگی بشر پرداخته اما بخش دوم سوره را به صورت «هشدار به مخالفان عمل به همه فرمان‌های الهی» نام‌گذاری می‌کند تا نهایتاً از تجمیع دو بخش سوره، غرض مذکور را نتیجه‌گیری نماید (خامه‌گر، ۱۳۹۹، ص ۲۵).

افزون بر مفاهیمی چون جامعه (ناس)، تقوا، ربوبیت، خانواده، زن و ارحام که در این آیه به صراحت طرح شده‌اند، مفهوم امام یا رسول نیز قطعاً در اصلاح جامعه از مهم‌ترین نقش برخوردار است که در سیاق ۱۰ (آیات ۵۹-۷۰) به صراحت، اطاعت از رسول طرح شده و در سیاق‌های پیشین و پسین آن یعنی سیاق ۱۱ (آیات ۷۱-۷۶) و سیاق ۱۲ (آیات ۷۷-۸۴)، اهل کتاب با رویکردی منافقانه دارای شاخصه عدم اطاعت از رسول بوده‌اند (ابن‌عاشور، ج ۴: ۱۸۴). تشریح این گروه تا سیاق ۱۳ (آیات ۸۵-۹۱) نیز ادامه می‌یابد. سیاق ۱۷ توطئه‌گری ایشان برای گمراه‌سازی رسول و عصمت آن جناب در اثر بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی را مطرح نموده (آیات ۱۰۵-۱۲۶) تا در سیاق‌های پایانی سوره، یعنی سیاق ۲۴ (آیات ۱۷۰-۱۷۵) و سیاق ۲۵ (آیه ۱۷۶)، رسول به عنوان شارع قطعی و مرجع چالش‌های اجتماعی مردم توصیف شود.

از دیگر مؤیدات ساختار برخاسته از آیه نخست، گستردگی مباحث زنان و خانواده در سوره بوده به نحوی که احکام زنان و خانواده به عنوان بنیان‌های اصلاح اجتماعی در آیاتی از جمله سیاق ۲ (آیات ۲-۶)، سیاق ۳ (آیات ۷-۱۴)، سیاق ۴ (آیات ۱۵-۲۵)، سیاق ۷ (آیات

۳۲-۴۲)، سیاق ۱۸ (آیات ۱۲۷-۱۳۴) و نهایتاً در آخرین سیاق (آیه ۱۷۶) طرح شده است. اگر چه رسول، رهبر و قانون‌گذار در اصلاح ساختارهای مختلف جامعه بوده و زن و خانواده به عنوان کانون‌های محوری این گذار هستند که از طریق اجرای دستورات ربوبی تقوامحور به این مهم نائل می‌شوند، می‌توان پیوند میان آنان را با مفهومی دیگر در همین ساختار محکم‌تر نمود. مفهومی با عنوان عنصر رحمت که در طلیعه سوره نیز بدان تصریح و امر به تقوای آن را در کنار امر به تقوای رب ذکر فرموده، بلکه آن را تکرار نمود تا «اهمیت امر ارحام» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۳۸) را نشان دهد. تجلی رحمت در تمامی احکام مطرح شده در سوره جاری است. از باب نمونه دو مقوله ارث و نکاح در سوره مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ارث به عنوان عامل بقای خانواده و جامعه، از تبعات حضور در دایره ارحام بوده و افراد نسبت به میزان قرابت در دایره ارحام از مال بیشتری بهره‌مند می‌گردند (نک. به حدود تقسیم ارث در سیاق ۳: آیات ۷-۱۴). نکاح نیز به عنوان عامل ایجاد خانواده و جامعه، با مبنای رحمت زوجین نسبت به هم شکل‌گرفته (سوره روم: آیه ۲۱)^۲ و به محبت نسبت به فرزندان منجر می‌شود؛ بدان حد که زن و مرد حاصل اقتصادی عمر خویش را برای فرزندان می‌نهند. اگر چه ارحام به افراد خارج شده از یک رحم گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ص ۳۴۷)؛ اما سوره نساء ضمن تأکید ویژه بر حقوق ارحام درصدد توسعه معنای آن در سطح جامعه است. بدین شرح که در سیاق ۲ (آیات ۲-۶) نسبت به مال اقشار خاص و ضعیف در دایره ارحام (ایتام، زنان و سفیهان) هشدار داد و آن را در انتهای سوره (سیاق ۱۸: آیات ۱۲۷-۱۳۴) تکرار نمود. سپس قوانین ارث را در سیاق ۳ (آیات ۷-۱۴) به نحوی تشریح نمود که اولویت ارحام قریب‌تر در آن مشهود بوده (آیات ۱۱-۱۲) و در انتهای سیاق مردم را با شدت به پابندی بدان فراخواند (آیات ۱۳-۱۴). اما بدین حد اکتفا نکرده و اعطای مال را به خارج از دایره ارحام خونی بسط می‌دهد. از جمله آنکه در همین سیاق، پیش از تعیین سهم‌الارث ارحام، لزوم اعطای ارث به مساکین حاضر در جلسه را عنوان نمود (آیه ۸) و در موارد متعدد از احسان

(آیه ۳۶) و انفاق (آیه ۳۸) سخن به میان آورد.

به عنوان جلوه‌ای دیگر از نظام ارحام می‌توان به زن، خانواده و بیت اشاره نمود که نمادهای رحمت در جامعه هستند. سوره نیز تمرکز ویژه‌ای بر آنان داشته است و مرد را موظف به تأمین نفقه و عهده‌داری قوامیت نموده (سیاق ۷: آیات ۳۲-۴۲). اما در رویکردی فراتر مردان را در جامعه ملزم به اعطای جان - فراتر از مال - در راستای حراست از تمام زنان و کودکان و مستضعفان نموده (سیاق ۱۱: آیات ۷۱-۷۶) که این خود بسط دایره رحم از افراد هم‌خون به امت اسلامی است.^۳

آنچه در سوره به وضوح مشهود بوده، بحث اطاعت از رسول در مقوله جهاد است؛ امری که موضوع سیاق‌های متوالی انتهایی سوره است. گویا خداوند درصدد است تا کل جامعه را به مثابه یک خانواده تصویر کند که رسول پدر امت و لازم‌الاتباع است؛ در غیراینصورت فرد به دایره نفاق وارد می‌شود (موضوع سیاق ۹: آیات ۴۴-۵۸؛ سیاق ۱۰: آیات ۵۹-۷۰ و به ویژه سیاق ۱۲: آیات ۷۷-۸۴). همان‌طور که در خانواده بیشترین محبت از ناحیه والدین به فرزندان است، در جامعه نیز رابطه اُبُوت را می‌توان از ناحیه امام نسبت به مردم رؤیت نمود؛ زیرا که پیامبر فرمودند: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (مجلسی، ج ۱۶: ۹۵). از این رویکی از محورهای اصلی سوره تبیین جایگاه رسول و امام در جامعه و مرجعیت ایشان است؛ بنابراین می‌توان جامعه را بسان یک خانواده تلقی نمود که امام همچون پدری دلسوز و مادری مهربان به فرزند کوچک خویش بوده (کلینی، ج ۱: ۲۰۰)^۴ و از بیشترین میزان محبت نسبت به مردم برخوردار است. خود مردم نیز باید رابطه اخوت با یکدیگر برقرار نموده ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات/۱۰) و فضایی با ولاء ایمانی در جامعه برقرار نمایند ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نساء/۱۴۴).

با این حال گرچه سوره درصدد بسط دایره ارحام از رابطه‌های خونی و خانوادگی به سمت جامعه اسلامی و امت واحده است، و این تعمیم را با خانواده‌انگاری جامعه اسلامی با اُبُوت

امام می‌توان دید، حتی اگر با معیار خون و آباء واحد هم به جامعه نظر افکنند، باز هم می‌توان همگی را از یک رحم دانست. زیرا بر مبنای آیه ۱ همگی از نسل یک زن و مرده بوده که انتشار نسل‌ها از ایشان اتفاق افتاده است.

بنابراین می‌توان غرض سوره را گذار از جامعه جاهلی به جامعه ایمانی با محوریت عنصر رحمت و مرجعیت رسول در پرتوی تقوا دانست. این غرض از سوی سایر مفسران و پژوهشگران ساختار- محور نیز تأیید می‌شود. به عنوان مثال از دیدگاه سعید حوی سوره نساء تفصیل آیات ۲۱ تا ۲۵ از سوره بقره است که در آن گروه اول مواجهه شده با کتاب، یعنی متقین که مشمول هدایت قرآنی می‌شوند، را تفصیل می‌دهد (حوی، ج ۲، ص ۱۲۶۶-۱۲۶۷). از این رو وی شبکه حاکم در میان تمامی آیات و سیاق‌های سوره را با محوریت تقوا تحلیل می‌کند. همچنین توجه به عناصر تقوا، رسول، جامعه اسلامی و حراست از آن در غرض بیان شده توسط الهی‌زاده به عنوان یکی از اندیشمندان معاصر ایرانی در حوزه تفسیر ساختاری نیز مشاهده می‌شود: «توصیه به تقوای خانوادگی، اجتماعی و سیاسی بر پایه قسط با پیروی از وحی و رسالت برای مقاوم‌سازی نظام در برابر فتنه منافقان، خائنان و مخالفان» (الهی‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۲۱۳).

مصطفی مسلم نیز اگر چه غرض اصلی سوره را گرد آوردن مردم بر توحید می‌داند، اما بر عنصر تقوا و جایگاه ویژه زنان در نیل به این هدف تأکید ویژه می‌کند (مسلم، ۱۴۱۳ق، ص ۵۸۳).

۵- روش ارزیابی ترجمه بر مبنای رویکرد ساختاری

لازم است اختلافات ترجمه‌ای که منجر به برداشت‌های مختلف از آیه شده، را با معیار ساختار به بوته نقد و تحلیل کشید. از این رو هر یک از ترجمه‌ها به «ساختار آیه»، «ساختار سیاق»، «ساختار فصل» و نهایتاً «ساختار سوره» عرضه شده تا ترجمه احسن گزینش شود.

۱-۵- ساختار آیه

در رویکرد ساختاری نه تنها کل سوره از یک شبکه و سازه برخوردار است؛ بلکه حتی آیات به عنوان واحدهای کوچک توقیفی هر سوره، برخوردار از ساختمانی منحصر به فرد بوده که در آن کلمات به شکلی هدفمند در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این رویکرد، حروف به صورتی معنادار تشکیل کلمه داده و کلمات به شیوه‌ای غرض‌مند عبارت‌ها و سپس آیات را می‌سازند. از این رو اولین مرحله‌ای که فهم عبارت در درون آن شکل می‌گیرد، خود آیه است. بنابراین در گام اول تحلیل، ترجمه‌ها را به ساختار آیه عرضه کرده و میزان تناسب آن موردسنجش قرار می‌گیرد.

۲-۵- ساختار سیاق

در علم ساختارشناسی سوره‌ها، مجموعه آیتی که با یکدیگر ارتباط لفظی دارند و مطلب واحدی را بیان می‌کنند، سیاق نامیده می‌شوند (الهی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵). بنابراین آیات موجود در هر سیاق از نظر محتوایی متمم یکدیگرند و معمولاً از نظر ادبی نیز به هم پیوسته‌اند و با آیاتی که در گفتارهای قبل و بعد قرار دارند، گسست موضوعی و ادبی دارند (خامه‌گر، ۱۳۹۶: ۱۰۶). اگر رویکرد ساختاری را در ارزیابی ترجمه‌ها ملاک قرار دهیم، ترجمه آیه باید با سیاق سخن تناسب محتوایی داشته، همدیگر را تأیید کنند و یا حداقل مخالفتی نداشته باشد.

۳-۵- ساختار فصل

از جمله مراحل دستیابی به غرض اصلی و کشف انسجام آن، شناسایی کیفیت ارتباط میان سیاق‌ها است. ممکن است هر یک از سیاق‌ها مستقلاً به غرض مرتبط بوده اما حالت دوم این است که بین برخی از گفتارها رابطه موضوعی برقرار باشد؛ به گونه‌ای که بتوان دو یا چند گفتار

را ذیل یک مجموعه بزرگ‌تر به نام فصل قرار داد و به این ترتیب سوره متشکل از چند فصل گردد (همان، ۲۸۷). پس لازم است سیاق‌آیه مورد نظر را در جوار سیاق‌های مجاور رؤیت کرد و از این حیث به سنجش ترجمه‌ها پرداخت.

۴-۵- ساختار سوره

نگرش ساختاری تلاش برای کشف نظم درونی سوره‌هاست تا نشان دهد برخلاف پراکنده‌نمایی محتوای آیات یک سوره همه آیات آن بر محور یک موضوع واحد قرار دارد (همو، ۱۳۸۹: ۲۵۸). به عبارت دیگر از انواع ارتباط آیات، ارتباط آن‌ها بر اساس یک محور اصلی و غرض واحد در سوره است (همو، ۱۳۸۶: ۱۳). مرحله نهایی در سنجش ترجمه‌ها، عرضه آن‌ها به سازه، شبکه موضوعات و همچنین غرض سوره خواهد بود.

۶- واکاوی ترجمه‌های ساختار شرط در آیه ۳ نساء

ارتباط میان «خوف از عدم قسط و نکاح» یک یا چند زن مسئله‌ای است که در اغلب ترجمه‌های ارائه شده برای عبارت ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾ به چشم می‌خورد. چگونه نکاح می‌تواند رافع خوف باشد؟ در این بخش سعی شده است تا ترجمه‌های مختلف از حیث سازگاری با ساختار سوره مورد واکاوی قرار گیرند. از این رو در بادی امر به گونه‌شناسی انواع ترجمه‌های انجام شده در این زمینه اقدام و سپس مرحله ارزیابی ساختار محور ارائه می‌شود.

۱-۶- گونه‌شناسی انواع ترجمه‌ها

در این بخش انواع ترجمه‌های انجام شده برای آیه مذکور ارائه می‌شود:

۱-۱-۶-گونه اول: ترجمه محض

ممکن است مترجم خود را موظف به روشن نمودن ارتباط میان شرط و جواب آن ننماید و عبارت را به صورت کلی ذیل ترجمه نماید: «اگر خوف عدم برپایی قسط را در میان یتیمان دارید، پس با زنانی که می‌پسندید به صورت دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه ازدواج کنید.» بسیاری از مترجمان به همین سطح در ترجمه خویش اکتفا نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به آیتی، ۱۳۷۴: ۷۷؛ ارفع، ۱۳۸۱: ۷۷؛ مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۹۷؛ رضایی، ۱۳۸۳: ۷۷؛ سراج، ۱۳۹۰: ۷۷؛ شعرانی، ۱۳۷۴: ۷۴ اشاره نمود.

۱-۱-۶-گونه دوم: تکیه بر دلخواه بودن زنان

برخی مترجمان، تکیه را در ترجمه آیه بر عبارت «ما طاب لکم» آورده‌اند. بدین شکل که «اگر از این ترس داشتید که درباره یتیمان عدالت را رعایت نکنید، با زنانی ازدواج کنید که دلخواهتان باشند، دو، سه و چهار....» (پورجوادی، ۱۴۱۴: ۷۶). ایشان به نحوی آیه را ترجمه کرده‌اند که گویی مشکل ترس از عدم قسط با انتخاب زنان دلخواه حل می‌شود.

۱-۱-۶-گونه سوم: عمومیت بخشی به موارد خاص

در ترجمه‌ای نظیر ترجمه تفسیر فرقان، با قرار دادن پرانتزهای متوالی و طولانی و برقراری ارتباط همسان میان حالات مختلف از طریق کلمه (یا)، عملاً آیه را مشمول تمامی حالات ممکن ساخته و عمومیت بخشیده است:

«و اگر در (اجرای) قسط [فوق عدالت] میان یتیمان (و یا ترك عدالت نسبت به غیر آنان) بیمناکید، هر چه از زنان (یتیم و دیگران) که شما را پسند افتاد -دودو، سه‌سه، و چهارچهار-

به همسری برگزینید. پس اگر بیم دارید (که نسبت به آنان یا خودتان و یا از نظر اجتماعی، اقتصادی، دینی و سایر جهات) به عدالت رفتار نکنید، به يك زن (آزاد) یا به آنچه دسترس دارید (مانند مُتعه یا کنیز یا عزوبت) اکتفا کنید (که) این (خودداری) نزدیک‌تر است به اینکه سنگین‌بار و زیان‌کار نشوید» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۸: ۳۲۰).

۶-۱-۶-۴-گونه چهارم: تعدد زوجات با مادر آن ایتم

یکی از تحلیل‌های ارائه شده در ساختار شرط آیه مذکور این است که اگر در باب ایتم بیم عدم قسط دارید، با مادر آن ایشان -ولو به عنوان همسر دوم یا سوم و یا چهارم- ازدواج نموده، تا از این رهگذر آنان را تحت تکفل خویش قرار دهید (معرفت، ۱۴۱۳: ۱۶۴).

۶-۱-۵-افزودن قید تفسیری

گاه نیز مترجم اقدام به افزودن وصفی برای نساء در عبارت (مَنْ النِّسَاءِ) نموده تا بتواند گویای ارتباط ساختار شرط باشد. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۶-۱-۵-۱-گونه پنجم: قید بالغه

در ترجمه پیش رو قید (بالغه) در ترجمه (من النساء) لحاظ شده است: «و اگر بترسید شما در نکاح کردن یتیمان از اینکه عدالت نکنید در حقوق ایشان پس به عقد خود درآورید آن را که خوب و حلال است برای شما از زن‌های بالغه، که بتوانند چون بالغند از حق خود درگذرند

یا مطالبه نمایند. عدد ایشان دو یا سه یا چهار باشد...» (یاسری، ۱۴۱۵: ۷۷).

۲-۵-۱-۶-گونه ششم: قید متناسب با عدالت بودن

الهی قمشه‌ای نیز (مطاب لکم) را به معنای نیکو و در توضیح آن متناسب با عدالت در نظر داشته و اتخاذ چنین همسرانی را راه برون‌رفت از خوفِ نکاح با ایتم دانسته: «اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان (ازدواج با دختران یتیم) مراعات عدل نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود درآید که شما را نیکو (و مناسب با عدالت) است» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۷۷).

۳-۵-۱-۶-گونه هفتم: قید «دیگر» برای من النساء

گونه دیگری که در برخی ترجمه‌ها به چشم می‌خورد، سوق دادن مسلمانان به نکاح با زنان دیگری غیر از ایتم است: «اگر می‌ترسید که در مورد یتیمان به قسط رفتار نکنید با زنان (دیگر) به تعداد دو تا، سه تا و چهارتا ازدواج کنید». مثال‌هایی از این نوع ترجمه را می‌توان در این آثار مشاهده کرد: آدینه وند، ۱۳۷۷: ۷۲۴؛ انصاریان: ۱۳۸۳: ۷۷؛ برزی، ۱۳۸۲: ۷۷؛ حجتی، ۱۳۸۴: ۷۷؛ صفوی، ۱۳۸۸: ۷۷؛ صلواتی، ۱۳۸۷: ۷۷؛ طاهری، ۱۳۸۰: ۷۷؛ فولادوند، ۱۴۱۸: ۷۷، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵، ص ۱۷۷؛ مکارم، ۱۳۷۳: ۷۷. گرمارودی در ترجمه خویش قید دیگر را نیاورده؛ اما با افزودن عبارت (با آنان ازدواج نکنید) پس از شرط، گویا معادلی برای دیگر ساخته است (گرمارودی، ۱۳۸۴: ۷۷).

۲-۶- ارزیابی ترجمه‌های هفتگانه از ساختار شرط

در این بخش ترجمه‌های هفتگانه از ساختار شرط در آیه ۳، به ساختار آیه، سیاق، فصل و نهایتاً کل سوره عرضه شده تا از این رهگذر مورد واکاوی قرار گیرد.

۱-۲-۶- ارزیابی ترجمه‌ها بر مبنای ساختار آیه

ترجمه صحیح نسبت به یک آیه، باید وافی به مقصود باشد و برای خواننده در حد امکان مقصود گوینده را آشکار کند. ترجمه‌هایی که در آن‌ها اتصال مفهومی حتی در یک جمله (شرط و جواب آن) با نقص مواجه بوده و بلافاصله خواننده را در ارائه سؤال از ارتباط صدر و ذیل جمله تحریک نماید، از حیث سازواری با ساختمان آیه دارای ایراد هستند.

اشکال در ترجمه گونه اول این است که هیچ توضیحی در باب ارتباط صدر و ذیل ساختار شرط داده نشده و همچنان ابهام باقی است. حال آنکه با توجه به مبین بودن قرآن و شخصیت مستقل سوره‌ها، مترجم از طریق توجه به مفهوم دقیق کلمات در ساختمان خود آیه و ارتباطات میان آیه‌ای در سیاق‌ها و در کل ساختار سوره باید به ارائه ترجمه‌ای روشن از آیه اقدام نماید. **در ترجمه گونه دوم**، دو مفهوم ترس از عدم قسط و انتخاب همسر دلخواه را با هم در تقابل گرفته‌اند؛ حال آنکه برگزیدن زنان دلخواه نمی‌تواند ترس از برپایی قسط را پاسخگو باشد. به همین سبب در ترجمه‌هایی که جواب شرط بر انتخاب زنان دلخواه تأکید دارد، بازهم ابهام و سؤال اصلی برجای می‌ماند.

در تحلیل گونه سوم می‌توان به موارد ذیل متناسب با ساختار آیه اشاره نمود:

الف. عمومیت بخشی معنای خوف در فراز **﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا﴾** بر وجود ترس در اجرا و عدم اجرا: عبارت به صورت (اگر در اجرای قسط یا ترک عدالت بیمناکید) ترجمه شده است.

در این ترجمه هم «اجرا» و هم «عدم اجرای قسط و عدل» قید شده و اتفاقاً «اجرا» را معنای اصلی گرفته است؛ حال آنکه ظاهر آیه صراحت بر «ترس از عدم اجرای قسط» دارد و اگر مترجمی عبارت را به صورت «ترس در اجرای قسط» معنا کند، پرواضح است که مقصود از آن، «ترس از عدم اجرا» است. اما در اینجا عطف دو کلمه به هم ابهام ایجاد کرده است. از جمله این ابهامات این است که چرا در باب قسط مفهوم «ترس از اجرا» و در باب عدالت مفهوم «ترس از عدم اجرا» مطرح شده است؟ و آیا اساساً اگر آیه در پی طرح بحث عدالت بود، نباید همان ریشه را می‌آورد؟ پس چه ضرورتی دارد در جایی که در متن مقدس به «ترس از عدم اجرای قسط» اشاره شده، در ترجمه «ترس از عدم اجرای عدل» هم بیان شود؟

ب. تعمیم معنای (فِي الْيَتَامَى) به یتیمان و غیر ایشان: در معنای این عبارت هم یتیمان آمده و هم غیر یتیمان در پراکنش قید شده است؛ از این رو بار دیگر معنای عبارت را به همگی افراد جامعه عمومیت داده است حال آنکه نص آیه سخن از ایتام داشته و ایشان موضوع این آیه هستند.

ج. عام دانستن (من النساء) در عبارت (فَأَنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ) به صورت یتیم و غیر یتیم: در باب این ترجمه باید پرسید اگر معنای (من النساء) یتیم و غیر آن است و در نتیجه تمامی زنان را شامل می‌شود چه فایده‌ای مترتب بر بیان این پراکنش توضیحی است؟ و ثانیاً چگونه انتظار می‌رود با این ترجمه ارتباط صدر و ذیل آیه روشن شود؟ بدین معنا که آیا ارتباط منطقی میان شرط (ترس از اجرای قسط میان یتیمان و عدم اجرای عدل میان غیر یتیمان) و جواب شرط (نکاح با زنان یتیم یا غیر یتیم و به عبارتی مطلق زنان) وجود دارد؟ آیا اگر از اجرای قسط و عدل بیم داشت، راهکار آن نکاح است؟ همچنان که روشن است، این ترجمه ابهام داشته و نمی‌تواند چالش اصلی آیه مذکور که معنای عبارت (من النساء) بوده را حل نماید. نقدهای دیگری همچون گسترده‌سازی حوزه‌های خوف در عبارت (فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا) به تمامی ساحات زندگی خود و همسران در حوزه فردی و اجتماعی و نیز تعمیم غیر متعارف در

معنای ﴿مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ نیز به این ترجمه وارد بوده که به دلیل خارج بودن از مسئله اصلی، یعنی ساختار شرط، تشریح نمی‌شود.

در صورت پذیرش تناسب ترجمه گونه چهارم با اجزای آیه، باید حوزه خوف نسبت به ایتم را کلی و مرتبط با کفالت ایشان دانست. بدین معنا که در ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى﴾ آنچه قبل از یتامی در تقدیر است، کلیه امور مربوط به بی‌سرپرستی یتیم و نبود کفیل نسبت به حوزه‌های مختلف زندگی او است؛ بنابراین فرد به دلیل نگرانی از عدم رعایت قسط از جانب مردم نسبت به یتیم، به نکاح با مادر او، بر عهده گرفتن کفالتش و تأمین معاشش امر شده است. با این پیش فرض، می‌توان این ترجمه را رافع ابهام در ساختمان شرط آیه دانست؛ اما در نقد این بینش می‌توان به خطاب آیه ارجاع داد که خداوند در آن فرموده (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقْسِطُوا) تا بتوان گفت اگر از عدم اجرای قسط از سوی مردم ترسیدید؛ بلکه فرمود (أَلَّا يُقْسِطُوا)؛ پس بیم عدم اجرای قانون از سوی همان کسی است که به نکاح امر شده نه دیگران. گونه پنجم نیز اشکالاتی چند به همراه دارد، از جمله آنکه توضیحات اضافه بر متن با هیچ نشانه‌ای از ترجمه متن اصلی جدا نشده است. این امر خلاف امانتداری در ترجمه محسوب می‌شود. به نحوی که اگر یک فارسی زبان ناآشنا با ادبیات عرب به خواندن ترجمه اکتفا کند، نمیتواند بخش‌های اصلی متن مقدس را از توضیحات خطاپذیر نویسنده بشری متمایز کند. توضیحاتی چون «زن‌های بالغه، که بتوانند چون بالغند از حق خود درگذرند یا مطالبه نمایند و همچنین اگر برسید از اینکه نتوانید عدالت کنید در مساوات نفقه میان زن‌ها» که بسیار گنگ است. همچنین در گونه پنجم مترجم به گونه‌ای به حل اشکال ارتباطی پرداخته که گویی خطاب با زنان بوده و ایشان باید رافع مسئله ارتباط صدر و ذیل باشند؛ حال آنکه گروهی که در این آیه، خوف عدم عدالت نسبت به آنان می‌رود، مردان هستند و چه بسا راهکار شارع نیز ارائه دستورالعملی به ایشان است نه آنکه لزوماً زنانی پا به میدان بنهند که امکان استیفا یا گذشت از حق را داشته باشند تا مسئله مختوم شود.

قید تناسب با عدالت در **گونه ششم** ابهام آیه را از بین نمی‌برد. همچنین ابهام دیگری نیز بر این ترجمه حاکم بوده و آن کشف معنای «تناسب با عدالت» است.

در **گونه هفتم** خوف نسبت به خود شخصی است که تمایل به نکاح با یتیم را دارد؛ یعنی اگر میل به ازدواج با ایتام دارید اما خوف عدم قسط در شما نسبت به ایشان می‌رود، از اصل نکاح با آنان صرف نظر کرده و به سراغ زنان دیگر روید؛ حتی به تعداد ۲ و ۳ و ۴ زن از دیگر زنان غیریتیم برگزید.

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که آنچه قبل از یتامی در تقدیر آمده، کلمه «اموال» است. بر مبنای این گزارش‌ها در زمان نزول این آیات، با توجه به ازدیاد جنگ‌ها، کشته شدن مردان و باقی ماندن خانواده‌های ایشان، مسئله زنان شوهرمرده و فرزندان یتیم ایشان از چالش‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه به حساب می‌آمد. زیرا با مرگ مردان، مالی از ایشان برای بازماندگان به ارث می‌رسید. مردان دیگر در جامعه از سر طمع در دست‌یابی به آن مال، اقدام به ازدواج با دخترکان یتیم می‌نمودند و پس از بهره‌وری از مال آنان، گاه در جامعه طردشان می‌نمودند؛ درحالی‌که دیگر هزینه‌ای هم برای گذران زندگی نداشتند (طباطبایی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۳۰؛ راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۹۵؛ صنعانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۴۷). به این ترتیب چالش حضور آنان در جامعه پررنگ‌تر می‌شد؛ به همین دلیل پس از آنکه در آیه قبل از اختلاط مال یتیم با مال کفیل نهی نموده که آن هم صیغه‌ای در جامعه آن زمان داشته است و افراد با مخلوط سازی مال یتیم با مال خود به اکل و اتمام آن اقدام می‌کردند، در این آیه نیز به رسم غلط بیان شده در سطور فوق، اشاره داشته و مردم را ازدواج منفعت طلبانه با ایتام نهی می‌نماید. البته لفظ آیه، نهی را مضمول افرادی می‌کند که **بیم عدم قسط** داشته باشند و این از حالتی سخت‌گیرانه‌تر در برخورد با ایتام پرده برمی‌دارد؛ بنابراین به طریق اولی این آیه شامل افرادی می‌شود که با انگیزه بهره‌وری از مال یتیم اقدام به نکاح با او می‌نمایند. با این توضیح

روشن می‌شود که منظور از (من النساء) زنان دیگری غیر از ایتم بوده که امکان ازدواج با بیش از یک نفر نیز روا شده است.

نتیجه آنکه از میان ترجمه‌های مذکور تنها ترجمه هفتم با ساختار آیه تناسب داشته و بقیه ترجمه‌ها خالی از اشکال نیستند.

۲-۲-۶- ارزیابی ترجمه‌ها بر مبنای ساختار سیاق

همچنانکه پیشتر مطرح شد تناسب محتوایی میان ترجمه ارائه شده و سیاق یا حداقل عدم تعارض با آن شرط لازم است. آیه مذکور در دومین سیاق از سوره جای گرفته است. سیاقی متشکل از پنج آیه (آیات ۲-۶) که در نگاه ابتدایی، به صورت مجموعه‌ای از موضوعات مختلف و گسسته دیده می‌شود؛ موضوعاتی نظیر مال یتیم (آیه ۲)، تعدد زوجات (آیه ۳)، مهریه (آیه ۴)، سفیهان (آیه ۵) و مجدداً مال یتیم در آیه ششم؛ اما دقت در این پنج آیه، نشان از پیوستگی لفظی و محتوایی با همدیگر دارد. از نظر ادبی، تمامی آیات به وسیله واو عاطفه به هم متصل شده‌اند. از نظر محتوا نیز تحلیل ذیل قابل ارائه است:

آیه دوم بر پس دادن اموال یتیمان و نهی از اکل باطل آن تأکید دارد، بنابراین یک بعد از چگونگی مواجهه با مال یتیم را تبیین می‌کند. آیه سوم بحث نکاح با یتیمان و خوف عدم قسط در باب ایشان را مطرح نموده است. آیه چهارم با محوریت مهریه بحثی طفیلی ذیل آیه سوم با موضوع نکاح بوده است تا بر سنت جاهلی غصب مهریه خط بطلان کشیده و آنان را مالک مهر خویش معرفی نماید. اگر چه موضوع آیه پنجم مواجهه اقتصادی با مال سفیه با دستورالعمل‌هایی چون نهی از دادن اموال سفیهان به ایشان، توجه شارع به وضعیت اقتصادی کفیل و همچنین تکالیف مالی و اخلاقی کفیل در مقابل سفیه بوده اما در حقیقت با توجه به دستورات الهی به اولیای یتیمان در عهده‌داری زندگی ایشان، مقصود از سفیهان در این آیه، سفیهان از ایتم است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۷۰). آیه انتهایی سیاق نیز به وضوح به بحث

اقتصادی اموال ایتمام پرداخته، شرایط پس دادن مال یتیم به او و کیفیت بهره‌وری کفیل از مال یتیم را تبیین می‌کند. با توجه به این توضیحات، آیات این سیاق، صبغه‌ای اقتصادی داشته و احکام مربوط به اموال ایتمام را در حالت صغیر بودن ایشان، سفیه بودن و همچنین بلوغ قانون‌گذاری می‌کند تا جامعه را از غصب اموال ایشان بر حذر دارد.

در این میان آیه چهارم، ادامه بیان آیه ۳ بوده و ترجمه آیه سوم باید به گونه‌ای باشد که با سیر مفهومی سیاق یعنی بحث از اموال ایتمام سازواری داشته باشد. از میان ترجمه‌های ارائه شده در این آیه، تنها ترجمه هفتم بوده که در اوج هماهنگی با بحث اموال یتیم و ترس از غصب آن ارائه شده است. زیرا پیش فرض ترجمه بر آن است که یتیم مالی داشته و یکی از ترندهای افراد سودجو در دستیابی به آن مال، نکاح با ایشان بوده است؛ از این رو آیه حتی در صورت بروز خوف از عدم قسط از این نکاح ممانعت به عمل آورده و ایشان را به سوی زنان دیگری غیر از ایتمام سوق می‌دهد. بنابراین واضح است که اولاً بحث نکاح ذیل بحث مالی که موضوع کلیدی سیاق است طرح شده و هدف از آن هم حراست از مقوله مال ایتمام در جایگاه احتمال بروز نکاح‌های منفعت‌طلبانه اقتصادمحور بوده است. ثانیاً چالش آیه مربوط به حالتی است که یتیم دارای مال باشد و فقر او مسئله آیه نبوده است. ثالثاً تعدد زوجات بحثی طفیلی در آیه است؛ زیرا بحث اصلی بر خوف غصب مال یتیم و بر حذر داشتن مردم از نزدیکی به این امر در قالب امر به نکاح با دیگر زنان بوده است. در این میان به شمار مجاز در نکاح با زنان که ۲ یا ۳ یا ۴ بوده نیز اشارت شده است. جالب آنکه حکم جواز تعدد در جایی که خداوند مردان را از قشر خاصی بر حذر می‌دارد بسیار به جاست؛ زیرا نهی از نزدیکی به ایتمام را تشدید می‌نماید. بدین معنا که به هیچ وجه به ازدواج با زنان یتیم - در صورت قصد تعدی به اموال آنان - نزدیک نشوید و به سراغ زنان دیگر روید؛ در این راستا حتی می‌توانید از میان آنان بیش از یک زن اختیار کرده و دو یا سه یا چهار نفر برگزینید. همچنین می‌توان گونه ترجمه چهارم را که در آن راهکار رهایی از خوف را تعدد زوجات با

همسرانِ اموات دانسته، از چند جهت به نقد کشید:

الف. تعدد زوجات بحثی عَرَضی در این آیه بوده که ذیلِ راهکارِ نکاح با دیگر زنان طرح شده، نه آنکه خود راهکارِ رهایی از خوف قسط باشد.

ب. سیاق به روشنی گواه آن است که چالش این دسته آیه، بر حالتی است که یتیم مالی داشته و دیگران اعم از کفیل و غیر او از جمله طالبِ نکاح احتمال غصب آن را دارند؛ بنابراین علی‌رغم سنت بودن ازدواج با زنان شهداء، این موضوع محل بحث آیه نبوده و سیاق بر آن دلالت ندارد.

ج. با چنین خوانشی از آیه (گونه چهارم) -همچنان که برخی پژوهشگران معاصر بر این باورند- امکان انحصار حکم تعدد زوجات به یتیمان بی سرپرست وجود دارد. نتیجه آنکه در شرایط فعلی جامعه و وجود نهادهای متکفل در امور مالی ایتام و خانواده‌های شهداء، چنین حکمی ملغی خواهد بود (درزی، ۱۴۰۱، ص ۴۱). حال آنکه چنین نبوده و اصلاً موضوع آیه تعدد زوجات با همسران شهداء جهت تکفل فرزندان آنان نیست؛ بلکه همان طور که پیشتر بیان شد این آیه پیرامون ایتامی است که اتفاقاً مالی به آنان رسیده و افرادی درصدد ازدواج سودجویانه با ایشان هستند. آیه در این حد دلالت دارد که از این اقدام نهی نموده و آنان را به فضای ازدواج با زنان دیگر سوق می‌دهد که در آن طبق احکام عمومی نکاح می‌توانند تا ۴ زن را به همسری گیرند.

در نقد سیاق محور نسبت به سایر گونه‌های ترجمه می‌توان گفت:

با توجه به مطالب سابق دالّ بر ضرورتِ اضافه تفسیری جهت رفع ابهام از ترجمه، گونه اول به دلیل نیاوردن هیچ گونه توضیح تفسیری از حوزه ارزیابی در این بخش و بخش‌های بعد حذف می‌شود.

اکثریت مترجمان عبارت «ماطاب لکم» در گونه دوم را به صورت «زنانی که می‌پسندید» معادل‌یابی کرده‌اند، حال آنکه این ترجمه از دو جهت اشتباه است:

الف. مفهوم‌شناسی طاب؛ طیب مطلوبی است که قذارتی در آن نبوده و مقابل خبث قرارداد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷: ۱۸۱)؛ بنابراین پاسخ طلب و نیاز انسان در آن است که طبیعتاً با فردی که رافع نیاز اوست در اوج تناسب قرار دارد. همچنین «لذت انسان در آن است، چه حواس بهره برند و چه جان و نفس آدمی» (راغب، ۱۴۱۲: ۵۲۷). می‌توان گفت طیب به معنای گوارایی و لذت حاصل از تناسب و تلاؤم است. چیزی طیب است که با فطرت الهی انسان و ویژگی‌های مادی، معنوی، فردی و اجتماعی کسی سازگار باشد. پس «طاب لکم»؛ یعنی برای شما مناسب و با شأن انسانی، اسلامی، اجتماعی و البته سلايق شخصی شما متناسب و سازگار باشد؛ نه اینکه هر چیز یا هر کس که می‌پسندید. همچنانکه تفاسیر نیز حوزه‌های طیب بودن زن را در آیه، مطلق و کلی، مادی و معنوی در نظر گرفته‌اند (صادقی-تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۶: ۱۶۹). در قرآن معمولاً پسند اشخاص با موادی مانند «اعجاب»^۱ بیان شده است.

ب. کاربرد ما به جای من؛ خداوند در این آیه نفرمود: ﴿من طاب لکم من النساء﴾؛ بلکه فرموده است: ﴿ما طاب لکم من النساء﴾. برخی در توجیه، اصل قاعده انحصار من، برای ذوی العقول و ما، برای غیر ذوی العقول را انکار کرده (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۴۸۶) و در مقابل گروهی از ادبا به جواز کاربرد جابه‌جای این دو رأی داده‌اند: «قد یاتی ما مکان من و قد یاتی من مکان ما». در این میان نظر مشهور دال بر غلبه کاربرد من، برای ذوی العقول و ما، برای غیر ذوی-العقول است. حال پرسش اینجاست که چه زمان جواز کاربرد جابه‌جای این دو وجود دارد؟ تفسیر المنار قاعده ادبی ما و من را مربوط به جایی می‌داند که نظر به ذات باشد؛ اما اگر نظر به اوصاف باشد این قاعده جریان ندارد. به عنوان مثال هنگام سؤال از هویت شخص جمله «من هذا الرجل؟» و هنگام پرسش از اوصاف او «ما هذا الرجل» به کار می‌رود. در این آیه نیز کاربرد «ما»، دلالت بر توجه مردان به ویژگی‌های زنان همچون باکره و غیر باکره بودن، زیبایی و مال آنان دارد (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۷۵)؛ در نتیجه بنای خداوند این نیست که

بفرماید: «با زنانی که می‌پسندید»؛ بلکه می‌فرماید: «با زنانی که به دلیل ویژگی‌هایشان مطلوب شما بوده و بدان‌ها میل دارید» نکاح کنید.

تفاوت این دو نگاه در این است که در نگاه نخست (زنانی که می‌پسندید) شخص زن متعین می‌شود؛ یعنی با هرکسی که می‌پسندید؛ اما در نگاه دوم خصوصیتی خاص متعین می‌شود؛ یعنی هر ویژگی‌ای را که می‌خواهید در زنان جستجو کنید و این نگاه به این معنا است که اگر قصد نکاح داشته‌اید اما نیت منفعت طلبانه شما سبب می‌شود قسط و قانون را درباره دختران یتیم رعایت نکنید، می‌توانید زنان دیگری را که با احوال شما متناسب هستند، حس لذت مادی و معنوی به ایشان داشته‌اید و همچنین دیگر نسبت به آنان خوف عدول از قسط هم ندارید (یعنی غیرایتام)، به همسری برگزینید. اگر عبارت «ما طاب لکم» چنین ترجمه شود، سیاق مؤید آن خواهد بود که نمونه ترجمه‌ای برای آن یافت نشد؛ اما اگر به صورت مشهور در میان مترجمان «زنانی که می‌پسندید» ترجمه شود، سیاق آن را تأیید نمی‌کند.

گونه سوم با عمومیت بخشی به مفاهیم آیه، پا را فراتر از سیاق گذاشته و بحث را به یتیم و غیریتیم تعمیم داده است.

گونه پنجم نیز از این جهت با سیاق ناسازگار است که سیاق در حال ارائه راهکارهایی به مردم در چگونگی مواجهه با ایتام است تا حقوق آنان را محترم شمرده و به ایشان تعدی نکنند؛ اما قید بالغه تکلیف استیفای حق را بر عهده خود یتیم افکنده است.

گونه ششم (متناسب با عدالت) نیز تأیید کننده و یا کمترین ارتباطی را با سیاق نداشته است.

بنابراین از حیث سازواری با سیاق تنها ترجمه هفتم قابل قبول است.

۳-۲-۶- ارزیابی ترجمه‌ها بر مبنای ساختار فصل

تناسب محتوایی میان ترجمه ارائه شده برای آیه در میانه سیاقش با مفاهیم ارائه شده در سیاق‌های مجاور را در این بخش باید معیار قرارداد. همان طور که پیش‌تر بیان شد سیاق نخست به کلان موضوعاتی چون تقوا و نظام ارحام می‌پرداخت. در این سیاق نیز موضوع مال یتیم با جزئیات مذکور مطرح شد. نتیجه آنکه می‌توان گفت در این سیاق، مصداقی از تقوا در سطح خانوادگی و اجتماعی مرتبط با یکی از گروه‌های ویژه در نظام ارحام یعنی یتیمان مطرح شده است. در حقیقت نسبت به مال اقشار خاص و ضعیف در دایره ارحام یعنی ایتم و زنان دستورالعمل‌هایی تقوا-محور ارائه شده است. گروه‌هایی که آسیب‌پذیرترین اقشار در فضای جامعه و در کانون‌های خانوادگی و دایره ارحام هستند. همچنین از سوی دیگر می‌توان گفت مال انتقال‌یافته به گروه ایتم در این سیاق بر احکام عمومی ارث مربوط به همه اقشار جامعه در سیاق ۳ (آیات ۷-۱۴) و نکاح دخترکان یتیم در این سیاق بر احکام ازدواج مطرح شده در سیاق ۴ (آیات ۱۵-۲۵) تقدم یافته و مقدمه‌ای برای طرح آنان شده که این خود نشانه‌ای از اهتمام شارع به این اقشار و حساس بودن وضعیت ایشان جهت سوءاستفاده افراد سودجو بوده و مصداقی از ذکر خاص پیش از عام جهت تنبه و انذار است. چنانکه علامه طباطبایی آیات سیاق دوم را به منزله زمینه‌چینی برای مسائل ارث و محارم می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۹۸).

همان طور که مشاهده می‌شود در سیاق‌های مجاور نیز صحبت از اموال یتیم و چگونگی مواجهه با آن بوده است؛ مسئله‌ای که تنها در گونه ترجمه‌ای هفتم لحاظ شده است.

۴-۲-۶- ارزیابی ترجمه‌ها بر مبنای ساختار سوره

ساختار سوره نساء و شبکه موضوعات آن حاکی از غرضمندی سوره به سوی گذار از جامعه‌ای

با عادات جاهلی به سمت جامعه ایمانی با محوریت عنصر رحمت بود. در این بخش، ترجمه‌ها از حیث اشتغال بر برخی عناصر اصلی ساختار و غرض سوره مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف. جایگاه زن و بیت در اصلاح جامعه سوره نساء؛ سوره درصدد اصلاح جامعه جاهلی و نیل به جامعه‌ای ایمانی است که این گذار اجتماعی را با محوریت اصلاح نظام خانواده و مقوله «بیت» انجام می‌دهد. باید اذعان داشت که «زن» به عنوان منشأ رحمت و رأفت، نقش اثرگذاری را در ایجاد جامعه‌ای ایفا می‌کند که در آن انسان مظهر خداوند در امامت رحمت و رهبری رأفت است (جوادی آملی: ۱۳۸۳، ۲۲۵). در گونه‌های ترجمه چهارم و هفتم شخصیت زنان، رها نشدن ایشان در جامعه و مسئله دخترکان یتیم مورد اهتمام قرار گرفته است.

ب. جایگاه ایتم در نظام ارحام سوره؛ دستورالعمل‌هایی در راستای بسط دایره ارحام از نظام خانواده به امت اسلامی در سیاق‌های مختلف سوره ارائه شده است؛ از جمله اعطای بخشی از ارث حقوقی خویش به مساکین (آیه ۸)، انفاق و احسان (آیات ۳۶-۳۷-۳۸)، جهاد و اعطای جان برای زنان و کودکانی غیر از خانواده خویش (آیات ۷۱ تا ۱۲۶)؛ یعنی در امت ایمانی سوره، اقشار آسیب‌پذیری چون ایتم جایگاه ویژه‌تر داشته که در ترجمه گونه‌های ۴ و ۷ قابل‌رؤیت است.

ج. تشریح ابعاد خانواده در سوره از جمله نیت نکاح؛ توجه ویژه به مقوله بیت سبب شده است تا در سوره به ابعاد گوناگون آن پرداخته شود. از جمله در سیاق ۴ (آیات ۱۵-۲۵) با برشمردن نمونه‌هایی اساسی از انحراف در بیت که اساس جامعه و بستر نزول رحمت است، به آسیب‌شناسی آن اقدام نموده (آیات ۱۵-۱۶) و همچنین راه بازگشت به مسیر تقوا و جلب رحمت الهی اعلان می‌شود (آیات ۱۷-۱۸). در همین سیاق افراد مجاز به نکاح برشمرده شده (آیات ۲۲-۲۳) و حتی از معیار ازدواج سخن به میان می‌آید^{۱۱} (آیه ۲۴-۲۵). آیه مورد بحث

نیز اگر چه در سیاق اقتصادمحور قرارگرفته است، اما از نیت درونی نکاح و احتمال منفعت طلبانه بودن پرده برمی‌دارد و این امری است که در ترجمه گونه هفتم به آن توجه شده است.

د. نقش مال و نکاح در جامعه سازی؛ توجه ویژه به دو امر مال^۶ و نکاح^۷ در اصلاح ساختار اجتماعی امری است که به وضوح در سوره به چشم می‌خورد که در مواردی از جمله سیاق ۲ (آیات ۲-۶) و سیاق ۱۸ (آیات ۱۲۷-۱۳۴) کاملاً درهم‌تنیده شده‌اند.^۸ به عنوان مثال از مصادیق بارز مال در این سوره «ارث» بوده که میزان بهره‌مندی هر فرد از آن به قرابت او در دایره ارحام مربوط است. نظام ارحام نیز خود برخاسته از نکاح می‌باشد. مهریه نیز از مال‌های مرتبط با نکاح بوده که در سیاق‌های گوناگون از آن سخن رفته است (بنگرید به: آیه ۴ در سیاق ۲ و نیز آیات ۱۹-۲۱ در سیاق ۴). در توضیح اینکه چرا در سوره‌ای با رویکرد اصلاح اجتماعی تمرکز ویژه بر دو مقوله مال و نکاح وجود دارد، می‌توان گفت این دو موضوع عظیم‌ترین اثر را در شکل‌گیری و بقای جامعه دارند. مسئله نکاح روشن‌کننده وضع فرزندان متولد شده به عنوان اجزا و عوامل شکل‌گیری جامعه است و ارث ضمن ارتباط با مقوله تقسیم ثروت در دنیا، موضوعی است که بقای زندگی اجتماعی بدان وابسته است؛ به همین دلیل آیات سوره با تأکید بر این دو مقوله در باب ارتباطات مشروع و حدود آن، همچنین اکل حرام و تجارت مشروع سخن رانده است؛ نتیجه آنکه تشکّل جامعه بر این دو اصل استوار است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۵۱). این سنت جاری در ساختمان سوره، تنها در گونه هفتم از ترجمه‌های ارائه شده رؤیت می‌شود؛ چون در آن میان نیت اقتصادی از نکاح و جواز آن رابطه برقرار شده است.

ه. اصلاح ساختار اکل در جامعه ایمانی سوره نساء؛ مال یتیم (سیاق ۲: آیات ۲-۶)، مهریه (سیاق ۴: آیات ۱۵-۲۵)، دیه قصاص و حتی غنائم (سیاق ۱۴: آیات ۹۲-۹۴) همگی در زمره

اَکَل مؤمنین محسوب می‌شوند که سوره در مورد هر یک در صدد است تا عادت‌های جاهلی پیشین را از بین برده و قاعده‌های اسلامی ارائه کند. این قاعده جاری مهم در سوره تنها در ترجمه گونه هفتم قابل مشاهده بوده که از اَکَل مال دخترکان یتیم ولو در پوشش نکاح نهی کرده است.

۷- نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش قابل ارائه به صورت ذیل است:

- توجه به تناسب میان آیات سوره نساء و شبکه موضوعات آن حاکی از وجود غرضی واحد در سوره بوده که بدین منوال است: گذار از جامعه جاهلی به جامعه ایمانی با محوریت عنصر رحمت (نظام ارحام)، با مرجعیت رسول و به روش تقوا.
- مراحل ارزیابی ترجمه‌ها بر مبنای رویکرد ساختاری عبارت‌اند از: عرضه عبارت ساختار شرط به ساختار آیه، ساختار سیاق، ساختار فصل و ساختار سوره که در همگی غرض به عنوان محور تحلیل‌ها به شمار می‌رود.
- اولین گام در رویکرد ساختاری عرضه عبارت به ساختمان آیه بوده که در آن از معناداری پیوند حروف در ایجاد کلمات، هدفمندی تألیف کلمات در تشکیل عبارت و غرض محوری تألیف عبارات در شکل‌گیری آیه سخن به میان آمده و این نگرش مبنای نقد ساختاری آیه محور است. لزوم روشن بودن ارتباط در اجزای ساختار شرط ترجمه صورت گرفته در آیه، تنها ترجمه گونه هفتم را از حیث این معیار قابل قبول می‌داند.
- عرضه عبارت بر سیاق آیه مورد نظر، دومین گام در تحلیل ترجمه بوده که در آن، پیوستگی لفظی و محتوایی با آیه مورد بحث معیار در تشکیل سیاق خواهد بود. سیاق عبارت مذکور، متشکل از آیات ۲ الی ۶ بوده، صبغه‌ای اقتصادی داشته و احکام مربوط به اموال یتام را در حالت صغارت، سفاهت و همچنین بلوغ قانون‌گذاری می‌کند تا جامعه را از غصب

اموال ایشان بر حذر دارد. تنها گونه هفتم با این توصیف از سیاق سازگار است.

- توجه به ارتباط میان سیاق مورد بحث با سیاق‌های مجاور و تحلیل عبارت درون این مجموعه، سومین مرحله از ارزیابی ترجمه در رویکرد ساختاری یعنی عرضه عبارت بر فصل خواهد بود. سیاق پیشین با کلان موضوع تقوا و ارحام و سیاق‌های پسین با برشماری قوانین کلی در حوزه مال و نکاح به تعیین موضوع اصلی سیاق مذکور با عنوان «تقوا نسبت به مال اقشار آسیب‌پذیر در دایره ارحام (ایتام و زنان)» منجر شده که رأی را در تحلیل ترجمه‌ها به گونه هفتم داده است.

- جایگاه زن و بیت در اصلاح جامعه، جایگاه ایتام در نظام ارحام، نقش مال و نکاح در جامعه‌سازی و نهایتاً اصلاح ساختار اکل در جامعه ایمانی مطرح شده در ساختار سوره، کلان موضوعاتی هستند که در وهله اول بیشترین انطباق را با گونه هفتم و سپس در مواردی با گونه چهارم دارند.

- نگرش به سوره به عنوان یک ساختار غرض‌مند سیاق-محور با مراحل چهارگانه پیش گفته می‌تواند معیار مناسبی جهت تنقیح ترجمه‌های ساختار شرط آیه سوم باشد و قدرت تمیز را از میان ۷ مدل ترجمه ارائه شده به گونه هفتم دهد که در آن استفاده از قید «دیگر» در ترجمه «من النساء» به عنوان ترجمه صحیح انتخاب شده است تا گویای این مطلب باشد که در صورت بروز خوف از عدم قسط نسبت به ایتام و احتمال نکاح‌های منفعت‌طلبانه، با زنان دیگر ازدواج کرده و به یتیمان نزدیک نشوید. این خوانش حاکی از آن است که مترجمانی چون آدینه‌وند، انصاریان، برزی، حجتی، صفوی، صلواتی، طاهری، فولادوند، مکارم، گرمارودی و همچنین مرکز فرهنگ و معارف قرآن (صالحی نجف‌آبادی) توانسته‌اند به ارائه ترجمه صحیحی از آیه اقدام نمایند. بررسی اسلوبی این ترجمه‌ها از میان حدود ۵۰ ترجمه نشان از آن دارد که از میان روش‌های مختلف ترجمه، سبک تفسیری توانسته است به ارائه معادلی دقیق‌تر و متناسب‌تر با ساختار سوره بیانجامد. از سوی دیگر واکاوی چالش ابهام در

آیه مورد توجه ترجمه‌های تحت‌اللفظی و منظوم نبوده است.

پی‌نوشتها:

۱. ای مردم! از [مخالفت با فرمان‌های] پروردگارتان بپرهیزید، آنکه شما را از یک تن آفرید و جفتش را [نیز] از [جنس] او پدید آورد و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را پراکنده و منتشر ساخت. و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید. پروا کنید و از [قطع رابطه با] خویشاوندان بپرهیزید. یقیناً خدا همواره بر شما حافظ و نگهبان است.
۲. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾.
۳. از سیاق ۱۱ الی ۱۷ به ابعاد مختلف جهاد پرداخته شده است.
۴. الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ.
۵. نک. بقره/۲۲۱؛ توبه/۲۵.
۶. عبارات ﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾.
۷. سیاق ۲ (آیات ۲-۶)، سیاق ۳ (آیات ۷-۱۴)، سیاق ۵ (آیات ۲۶-۲۸)، سیاق ۶ (آیات ۲۹-۳۱)، سیاق ۷ (آیات ۳۲-۴۲)، سیاق هجدهم (آیات ۱۲۷-۱۳۴) و سیاق ۲۵ (آیه ۱۷۶).
۸. پرداخته شده در سیاق ۲ (آیات ۲-۶)، سیاق ۳ (آیات ۷-۱۴)، سیاق ۴ (آیات ۱۵-۲۵)، سیاق ۷ (آیات ۳۲-۴۲)، سیاق ۱۸ (آیات ۱۲۷-۱۳۴) و سیاق ۲۵ (آیه ۱۷۶).

منابع فارسی

قرآن کریم

۱. ارفع، کاظم، ترجمه قرآن، تهران: فیض کاشانی. (۱۳۸۱ش).
۲. الهی‌زاده، محمدحسین، تدبیردرقرآن جزه‌سی، مشهد: تدبیردرقرآن و سیره. (۱۳۹۰).
۳. الهی‌قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن، قم: فاطمه‌الزهراء. (۱۳۸۰ش).
۴. انصاری، محمدعلی، مشکات، مشهد: بیان هدایت نور. (۱۳۹۸).
۵. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم: اسوه. (۱۳۸۳ش).
۶. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران: سروش. (۱۳۷۴).
۷. برزی، اصغر، ترجمه قرآن و نکات نحوی آن، تهران: بنیادقرآن. (۱۳۸۲ش).
۸. پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی. (۱۴۱۴ق).
۹. جوادی‌آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، قم: اسراء. (۱۳۸۳).
۱۰. حجتی، مهدی، گلی از بوستان خدا، قم: بخشایش. (۱۳۸۴ش).
۱۱. خامه‌گر، محمد، ساختار سوره‌های قرآن کریم، تهران: آیه نور. (۱۳۹۹).
۱۲. -----، اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. (۱۳۹۶).
۱۳. -----، ساختارهندسی سوره‌های قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل. (۱۳۸۶ش).
۱۴. -----، شبکه معنایی موضوعات قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۲-۶۳. (۱۳۸۹ش).
۱۵. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامی. (۱۳۹۰ق).
۱۶. درزی، قاسم، «فرایند تفسیر اجتماعی، رویکردی هرمنوتیکی»، همایش تفسیر اجتماعی در جهان اسلام، ۱۴۰۱.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ترجمه قرآن، قم: دارالذکر. (ش).
۱۸. سراج، رضا، ترجمه قرآن، تهران: سازمان چاپ دانشگاه. (۱۳۹۰ق).
۱۹. شاه‌ولی‌الله، احمدبن‌عبدالرحیم، ترجمه قرآن، سراوان: کتابفروشی نور. بیتا
۲۰. شعرانی، ابوالحسن، قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات، تهران: کتابفروشی اسلامی. (۱۳۷۴ش).

۲۱. صادقی‌تهرانی، محمد، *ترجمان فرقان*، قم: شکرانه. (۱۳۸۸ش).
۲۲. صفوی، محمدرضا، *ترجمه قرآن بر اساس المیزان*، قم: دفتر نشر معارف. (۱۳۸۸ش).
۲۳. صلواتی، محمود، *ترجمه قرآن*، تهران: مبارک. (۱۳۸۷ش).
۲۴. طاهری‌فروینی، علی‌اکبر، *ترجمه قرآن*، تهران: قلم. (۱۳۸۰ش).
۲۵. فولادوند، محمدمهدی، *ترجمه قرآن*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. (۱۴۱۸ق).
۲۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *ترجمه قرآن*، قم: بوستان کتاب (۱۳۸۵ش).
۲۷. مغنیه، محمدجواد، *ترجمه تفسیر کاشف*، قم: بوستان کتاب (۱۳۷۸ش).
۲۸. مکارم‌شیرازی، ناصر، *ترجمه قرآن*، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. (۱۳۷۳ش).
۲۹. موسوی‌گرمارودی، علی، *ترجمه قرآن*، تهران: قدیانی. (۱۳۸۴ش).
۳۰. یاسری، محمود، *ترجمه قرآن*، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی. (۱۴۱۵ق).

منابع عربی

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، *المحکم والمحیط الأعظم*، بیروت: دارالکتب العلمیة. (۱۴۲۱ق).
۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد، *مشابه القرآن و مختلفه*، ج ۱، قم: پیدار (۱۴۱۰ق).
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی. (۱۴۲۰ق).
۴. ازدی، عبدالله بن محمد، *کتاب الماء*، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران. (۱۳۸۷ش).
۵. آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا، *کلمة الله العلی*، تهران: اسوه. (۱۳۷۷ش).
۶. حوی، سعید، *الاساس فی التفسیر*، قاهره: دارالسلام. (۱۴۲۴ق).
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.

(۱۴۱۲ق).

۸. رشیدرضا، محمد، *تفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفة. (۱۴۱۴ق).
۹. شریف رضی، محمدبن حسین، *حقایق التاویل*، بیروت: دارالاضواء. (۱۴۰۶ق).
۱۰. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم: فرهنگ-اسلامی. (۱۴۰۶ق).
۱۱. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *تفسیر القرآن العزیز*، بیروت: دارالمعرفة. (۱۴۱۱ق).
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی-للمطبوعات. (۱۳۹۰ق).
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات. (۱۴۲۷ق).
۱۴. فخررازی، محمدبن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: داراحیاء التراث العربی. (۱۴۲۰ق).
۱۵. قطب‌راوندی، سعیدبن هبه‌الله، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی. (۱۴۰۵).
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی (ط-الإسلامیة)*، تهران: دارالکتب الإسلامیة. (۱۴۰۷ق).
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، بیروت: داراحیاء التراث-العربی. (ق).
۱۸. مسلم، مصطفی، *التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم*، امارات: جامعة الشارقة. (۱۴۱۳).
۱۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیة. (۱۴۳۰ق).
۲۰. معرفت، محمدهادی، *شبهات و ردود حول القرآن*، قم: مؤسسه التمهید، (۱۴۱۳ق).

